



## قواعد ترکیب

### کوچک‌ترین و بزرگ‌ترین واحد زبان چیست؟

واحد‌های کوچکِ زبانی چگونه با هم ترکیب می‌شوند تا بزرگ‌ترین واحد زبانی ساخته شود؟

پیش از این، آموختیم که زبان وسیله‌ی انتقال پیام در بین انسان‌هاست. زبان از عناصری تشکیل می‌شود و کوچک‌ترین عنصر یا واحد آن «واج» است. همه‌ی زبان‌های بشری از «واج» ساخته می‌شوند و در نهایت، به «واج» تجزیه می‌شوند؛ بنابراین، در نخستین مرحله لازم است واج‌ها با هم ترکیب شوند تا واحدهای بزرگ‌تری مانند «تکواژ» و «واژه» ساخته شود. می‌خواهیم بدانیم آیا می‌توان هر واجی را در کنار واج دیگر قرار داد و از آن «تکواژ» ساخت. در هر مرحله از تشکیل واحدهای زبانی، قواعد بسیار منظم و دقیقی وجود دارد که تعیین می‌کند کدام واج‌ها یا تکواژها یا واژه‌ها می‌توانند در کنار هم قرار بگیرند؛ مثلاً واج‌های /ش/، /چ/ و /د/ نمی‌توانند به صورت «شچد» با هم ترکیب شوند. این قاعده را کسی از پیش تعیین نکرده است بلکه آشنایی ذاتی هر اهل زبانی با زبان خودش، پیشاپیش او را از وجود چنین قاعده‌ای آگاه می‌کند و به وی یاد می‌دهد که در هنگام ساختن تکواژها یا واژه‌هایی که از اجتماع چند واج ساخته می‌شوند، به الگوهای هجایی زیر پای بند باشد:

(۱) صامت + مصوّت: و، ما

۲) صامت + مصوّت + صامت : سَر، بار، آب<sup>۱</sup>

۳) صامت + مصوّت + صامت + صامت : فَرَد، گفَت، کارد

ممکن است تکواژهایی مانند پِچُش را طبق الگوی هجایی بسازیم اما باید توجه داشته باشیم که در زبان فارسی واج‌هایی که واجگاه<sup>۲</sup> مشترک یا نزدیک به هم دارند، معمولاً نمی‌توانند بی‌فاصله در کنار یک‌دیگر قرار بگیرند. به این گونه قواعد که مانع از اجتماع برخی از واج‌ها در کنار هم می‌شوند، «قواعد واجی» می‌گویند.

## فعالیت

آیا ساختن تکواژها یا واژه‌های زیر امکان‌پذیر است؟ چرا؟  
چشمش، متدین، پیرند، داگک

پس هر تکواژ یا واژه برای این که تولید شود یا از زبان‌های بیگانه به زبان فارسی راه یابد، باید از صافی قواعد واجی زبان عبور کند. در غیر این صورت، کاربرد نخواهد داشت. مرحله‌ی دوم ترکیب و ساخته شدن واحدهای زبانی، ساختن «گروه» از ترکیب تکواژها و واژه‌هاست. در این مرحله نیز قواعد مشخصی بر زبان حاکم است و اجازه نمی‌دهد که گروه‌هایی نظیر «این جغرافیای نقشه»، «کار آن‌ها مرد» و «آباد زمین این» ساخته شود. پس قواعدی که به ما کمک می‌کنند تا بتوانیم از ترکیب تکواژها یا واژه‌های مناسب، گروه‌های اسمی، قیدی و فعلی مناسبی تولید کنیم، به «قواعد هم‌نشینی» معروف‌اند. زمانی که واحدهایی به نام «واج»، «تکواژ و واژه» و «گروه» از مراحل اول و دوم (صافی قواعد واجی و قواعد هم‌نشینی) عبور کردند، به مرحله‌ی سوم یعنی «جمله‌سازی»

۱) هیچ کلمه‌ای در نظام آوایی زبان فارسی با مصوّت آغاز نمی‌شود پس آ، آ... در کلماتی مثل آب، اُردک، اِسْم، این، او با همزه آغاز می‌شود که در شمارش واجی ۲ واج محسوب می‌گردد: مثلاً آب = ۳ واج است.

۲) واجگاه، به دستگاه تولید صداها (واج‌ها) گفته می‌شود و شامل لب‌ها، دندان‌ها، لثه، کام، نای و ... است. به واجگاه «مخرج حروف» می‌گویند.

وارد می‌شوند. در این مرحله، گروه‌ها در کنار هم قرار می‌گیرند و از ترکیب آن‌ها جمله ساخته می‌شود. در این مرحله نیز قواعد دقیقی بر زبان حاکم است که به هر گروهی – گرچه از صافی قواعد هم‌نشینی گذشته باشد – اجازه نمی‌دهد در کنار گروه دیگر بنشینند. برای مثال، جمله‌ی «تو او را دیدی» کاملاً درست ولی جمله‌ی «تو او را دیدم» به سبب عدم مطابقت نهاد و فعل، کاملاً غلط است. در حالی که تمام تکواژهای آن (تو + او + را + دید + م) تکواژهای آشنا و معنی‌دار زبان‌اند و معنای جمله‌ی ساخته شده نیز روشن است. با وجود این، ما مجاز به ساختن چنین جمله‌ای در فارسی معیار امروز نیستیم. هیچ‌کس تاکنون به ما نگفته که چنین جمله‌ای نادرست است، اما یک صافی بسیار دقیق، جمله‌ها را قبل از تولید، بررسی می‌کند و در صورتی که مطابق معیارهای زبان باشد، اجازه‌ی تولید آن‌ها را می‌دهد. این صافی را «قواعد نحوی» می‌گویند.

علاوه بر «قواعد واجی»، «هم‌نشینی» و «نحوی»، قواعد دیگری نیز در زبان وجود دارد که به ما کمک می‌کند تا جمله‌هایی با معنا بسازیم و آن‌ها را در موقعیت‌های مناسب به کار ببریم؛ مثلاً جمله‌ی «پرنده، آسمانِ آبی را نشانده است.» از نظر قواعد نحوی درست است اما از جمله‌های عادی زبان به شمار نمی‌آید. در این مرحله از سخن، صافی دیگری وجود دارد که جمله را از نظر معنایی بررسی می‌کند که به آن «قواعد معنایی» می‌گویند.

## فعالیت

با استفاده از روش جانشین‌سازی، جمله‌ی «کیفم با دل خوشی مدادش را تراشید.» را بازسازی کنید تا به جمله‌ی عادی معنادار تبدیل شود.

اگر کسی از ما بپرسد «امروز به کجا می‌روید؟» و ما در پاسخ بگوییم «شیشه شکستنی است» آیا این جمله که از نظر قواعد واجی، هم‌نشینی نحوی و معنایی درست است، پاسخ به جا و مناسبی برای این پرسش است؟ در این جا نیز قواعدی خاص به ما کمک می‌کنند تا هر جمله‌ای را در جایگاه خودش به کار ببریم که به آن‌ها «قواعد کاربردی» می‌گویند.

## خودآزمایی

۱) برای هر یک از قواعد نحوی و معنایی، یک مثال بنویسید.

۲) چرا واحدهای زبانی زیر کاربرد ندارند؟

امیرکبیر دولتی دبیرستان، دانش‌آموز در درس خواندن کوشا هستند و رفتند می‌داشتند.

۳) الگوی هجایی واحدهای زبانی زیر را بنویسید.

مثال: آداب  $\left\{ \begin{array}{l} \text{آ} = \text{صامت} + \text{مصوت بلند} \\ \text{داب} = \text{صامت} + \text{مصوت بلند} + \text{صامت} \end{array} \right.$

— رعد :

— خویشان :

— خورشید :

— مؤذن :

— بنفشه :

— ماه :



درس دوم

## جمله

سال پیش خواندیم که جمله‌ی مستقل بزرگ‌ترین واحد زبانی است که از واحدهای کوچک‌تر ساخته شده است و خود جزئی از یک واحد بزرگ‌تر نیست. مثلاً:  
در جمله‌ی «اخترشناسی علمی است که» جمله‌ی مستقل نیست چون جزئی از واحد بزرگ‌تر زیر است:

اخترشناسی علمی است که به مطالعه‌ی اجرام آسمانی می‌پردازد.  
جمله‌ی مستقل دو نوع است:

۱- جمله‌ی مستقل ساده که دارای یک فعل است:

«اخترشناسان در شاخه‌های تخصصی کارهای متفاوتی می‌کنند».

۲- جمله‌ی مستقل مرکب که بیش از یک فعل دارد:

«بعضی از اخترشناسان متخصصانی هستند که کار آن‌ها مشاهده‌ی اجرام آسمانی

به کمک دوربین نجومی است».

جمله‌ی مستقل یک فعلی را «ساده» و چند فعلی را «مرکب» می‌نامیم.

به خاطر داشته باشیم:

جمله‌ی مستقل جمله‌ای است که جزئی از یک واحد بزرگ‌تر نباشد.

جمله‌ی مرکب جمله‌ای است که دست‌کم یک جمله‌ی وابسته داشته باشد.

### فعالیّت

نمونه‌ای از جمله‌های مستقل یک فعلی و چند فعلی را بیان کنید.

## جمله چیست؟

خواندیم که جمله‌ی ساده سخنی است که بتوان آن را به دو قسمت نهاد و گزاره تقسیم کرد؛ پس از جمله‌ی مستقل، بزرگ‌ترین واحد زبان «جمله» است.

واحد‌های زبان به ترتیب از کوچک به بزرگ عبارت‌اند از: واج، تکواژ، واژه، گروه، جمله، جمله‌ی مستقل.

جمله از چه واحدهایی ساخته می‌شود؟

جمله از یک یا چند گروه ساخته می‌شود.

سه گروه فعلی، اسمی و قیدی جمله را می‌سازند که از میان آن‌ها گروه قیدی را

می‌توان حذف کرد زیرا فعل به آن نیاز ندارد.

## گروه چیست؟

پس از جمله، گروه بزرگ‌ترین واحد زبان است که از یک یا چند واژه ساخته می‌شود

و در ساختمان جمله به کار می‌رود.

مثل: اجرام، اجرام آسمانی، مطالعه‌ی اجرام آسمانی

جهان، ماهیت جهان، تبیین ماهیت جهان

دیدیم که هر «گروه» از یک هسته تشکیل می‌شود که می‌تواند تعدادی وابسته داشته

باشد، اما آمدن وابسته‌ها در گروه الزامی نیست. هسته‌ی گروه اسمی، اسم و هسته‌ی گروه

فعلی، بن فعل و هسته‌ی گروه قیدی قید یا اسم است؛ مثلاً جمله‌ی:

«کار بعضی از متخصصان مشاهده است.» اگرچه از نظر دستوری کامل به نظر می‌رسد

اما چون نقص معنایی دارد به وابسته‌هایی نیازمند است. این جمله را به کمک برخی

وابسته‌ها می‌توان این‌گونه نوشت: «کار بعضی از متخصصان مشاهده‌ی اجرام آسمانی به

کمک دوربین نجومی است.»

## واژه چیست؟

□ واژه یکی از واحدهای زبان است که از یک یا چند تکواژ ساخته می‌شود و در ساختمان واحد بزرگ‌تر به کار می‌رود. واژه می‌تواند مفهومی مستقل داشته باشد مثل: میز، باغبان، دانش‌آموز و نمی‌روند یا مفهومی غیر مستقل داشته باشد مثل از، در، که، را (نقش‌نمای مفعولی) و یا در ساختار جمله مفهوم پیدا کنند، مانند: نقش‌نمای اضافه (ـِ)، حرف پیوند «و» و «ی» اسنادی در تویی (= توهستی).

### فعالیت

هسته‌ی گروه‌های زیر را مشخص کنید.

این پرسش‌ها، دمای اجرام آسمانی، ابزارهای گوناگون، آینده‌ی آن‌ها، مشاهده‌ی اجرام آسمانی، شاخه‌های تخصصی، تاریخچه‌ی جهان.

## تکواژ چیست؟

□ تکواژ یکی از واحدهای زبان است که از یک یا چند واج ساخته می‌شود.<sup>۱</sup> تکواژ گاهی معنا و کاربرد مستقل دارد؛ مثل: همیشه، خوب، گوسفند، میز و من در این صورت، آن‌را تکواژ آزاد می‌نامند. گاهی نیز کاربرد و معنای مستقل ندارد و در ساختمان واژه‌های دیگر به کار می‌رود که آن‌را تکواژ وابسته می‌نامند؛ مثل: بان، ی، مند، گار، تر در واژه‌های آسیابان، جنوبی، آبرومند، پرهیزگار و خوب‌تر.

## واج چیست؟

□ واج کوچک‌ترین واحد صوتی زبان است که معنایی ندارد اما تفاوت معنایی ایجاد می‌کند. به‌عنوان مثال «ت» در واژه‌ی «تر» واج است؛ زیرا اگر به جای «ت»، «پ» تلفظ کنیم، می‌شود «پر» یعنی «پ» معنای واژه را تغییر می‌دهد. حال آن‌که خود معنا ندارد. پس «ت» و «پ» هر دو واج‌اند یا «ـِ» و «ـُ» که در واژه‌های «گِل» و «کُل» سبب تفاوت معنا می‌شوند، واج هستند. واج اگرچه خود معنا ندارد، در ساختمان واحد بزرگ‌تر زبانی – یعنی «تکواژ» – به کار می‌رود.

۱) تکواژ صفر (∅) نمود آوایی ندارد اما در شمارش تعداد تکواژها یک تکواژ شمرده می‌شود. مانند «است ∅» ⇐ دو تکواژ دارد هم‌چنین نقش‌نمای اضافه هم یک واج و هم یک تکواژ است.



واژه های هم آوا (۱)

به جمله های زیر توجه کنید:

شاه عباس صفیری به دربار واینگان فرستاد.

صفیر گلوله از همه جا به کوشش می رسید.

یکی از صفات خداوند که در قرآن نیز از آن یاد شده «قدیر» است.

عید «غدير» از اعیاد بزرگ است.

در پاکستان سعدی سخنان نغزو دلکش فراوان است.

پیمان شکن کسی است که عهد و پیمان خود را نقض کند.

در جمله های بالا، بر یک از گروه واژه های «صفیر و سفیر» «قدیر، غدير»

و «نغزو، نقض» بر چند تلفظ مشترک دارند و به اصطلاح «هم آوا» هستند، معنای و

کاربرد های جداگانه ای دارند و نمی توان آن ها را به جای هم به کار برد.



## خودآزمایی

۱) نوع تکواژهای کلمات زیر را مشخص کنید.

– اخترشناسان

– تاریخچه

– آفریدگار

– قشنگ‌تر

– گل‌خانه

– دانش‌پژوه

۲) در متن زیر، جمله‌های مستقل ساده و مرکب را مشخص کنید.

شاعری غزلی بی‌معنا و بی‌قافیه سروده بود. آن‌را نزد جامی برد. پس از خواندن آن گفت: «همان‌طوری که

دیدید، در این غزل از حرف الف استفاده نشده است». جامی گفت: «بہتر بود از سایر حروف هم استفاده نمی‌کردید!»

۳) با هریک از کلمات هم‌آوای زیر، گروه اسمی مناسب بسازید و در جمله به کار ببرید.

انتصاب، تعلّم، حیات، جذر، خویش، صواب، برائت

انتساب، تألم، حیاط، جزر، خیش، ثواب، براعت

۴) درباره‌ی تصویر زیر، اشایی بنویسید.



نقاشی آبرنگ از رحیم نوه‌سی



درس سوم

## ویرایش

در سال‌های گذشته، مطالبی را درباره‌ی درست‌نویسی، ویرایش، فارسی‌نویسی و آشنایی با زبان معیار با شما در میان گذاشته‌ایم.

### یادآوری:

نکات نگارشی و ویرایشی زبان فارسی سال اول و دوم را مرور می‌کنیم تا بتوانیم نوشته‌های خود را بهتر اصلاح و ویرایش کنیم.

#### الف) ویرایش فنی

- ۱) کاربرد درست همزه : سائل ← سائل
- ۲) استفاده‌ی درست از نشانه‌های خطّ فارسی : بنایی را دیدم ← بنایی را دیدم.
- ۳) جدا نوشتن کلمات مرکبی که سرهم نوشتن آن‌ها موجب بدخوانی می‌شود : حاصلضرب ← حاصل ضرب
- ۴) کامل نوشتن عبارت‌های دعایی یا نوشتن آن‌ها با نشانه‌ی اختصاری : پیامبر صلی‌الله علیه و آله و سلم یا پیامبر (ص)
- ۵) استفاده‌ی درست و مناسب از نقش‌نمای اضافه : اسب‌سواری ← اسب‌سواری /

لب تشنه ← لب تشنه

- ۶) استفاده‌ی درست از «ی» میانجی: سیو آب ← سبوی آب  
۷) تمایز میان «ه، و» بیان حرکت و حرف‌های «ه، و»: رادی ← رادیو / خان ← خانه  
۸) توجه به املای کلمات هم‌آوا و کاربرد آن‌ها: اساس و اثاث / خار و خوار  
۹) کاربرد «ی» میانجی بزرگ به جای «ه» هنگامی که مضاف به مصوت ختم می‌شود.

مدرسه بزرگ ← مدرسه‌ی بزرگ

۱۰) رعایت ارتباط موضوعی بندها در نوشته

- ۱۱) رعایت علایم نگارشی در زبان فارسی: نقطه (.) - ویرگول (،) - دو نقطه (:).  
علامت سؤال (?) - علامت تعجب (!) - گیومه (») - نقطه ویرگول (;) - خط فاصله (-) - سه نقطه (...).  
قالب [ ] - کمانک (()) - ممیز (/) - ستاره (\*) - پیکان (←) - ایضاً (=) - آکلاد ({}).  
تساوی (=). هر یک از این علایم در جمله کاربرد خاصی دارند.

- ۱۲) حذف همزه از آخر کلمات عربی مختموم به «اء»: انشاء ← انشا / صفاء ← صفا  
ب) ویرایش زبانی

۱) پرهیز از کاربرد شکل گفتاری جز در نوشته‌ی متناسب با نوع آن: میون بیابون ←

میان بیابان

۲) پرهیز از مطابقت موصوف و صفت در فارسی: خانم مدیره‌ی محترمه ← خانم

مدیر محترم

۳) پرهیز از کاربرد تنوین در کلمات فارسی سره و غیرعربی: زبانا ← زبانی /

تلفناً ← تلفنی

۴) رعایت صراحت، دقت و گویایی در نوشته

۵) پرهیز از جمع بستن جمع‌های عربی با نشانه‌های فارسی: اخلاق‌ها ← اخلاق

۶) خودداری از افزودن «تر» به صفت‌های تفضیلی عربی: اعلم‌تر ← اعلم

۷) رعایت کوتاهی جملات

۸) نزدیک کردن زبان نگارش به زبان گفتار

۹) پرهیز از تکلف کلامی و بیان عبارتهای فضل فروشانه

۱۰) پرهیز از کاربرد عبارتهای زاید و بی‌نقش، تکیه کلام‌ها، تکرار فعل‌ها و ...

۱۱) پرهیز از کاربرد واژگان و ساخت‌های دستوری کهن: از جای بشد ← عصبانی

شد.

۱۲) کاربرد برابره‌های مناسب فارسی به جای کلمات غیر فارسی: علی کلّ حال

← در هر حال / سیستم ← نظام

۱۳) پرهیز از کاربرد دو کلمه‌ی پرسشی در جملات پرسشی: آیا چگونه ← چگونه

۱۴) کاربرد درست تکیه کلام «به قول معروف»: «به قول معروف خسته شدم» که

«خسته شدم» قول معروف نیست.

۱۵) پرهیز از کاربرد «برعلیه» و «برله» به جای علیه و له

۱۶) کاربرد نادرست «را»ی نشانه‌ی مفعول پس از فعل: کفشی که خریده بودی را

پسندیدم ← کفشی را که خریده بودی، پسندیدم.

۱۷) مطابقت نهاد با فعل: هم من رفتم هم او ← هم من رفتم هم او رفت.

۱۸) پرهیز از تکرار فعل: در کلاس هم میز هست هم تخته هست ← در کلاس هم

میز هست هم تخته.

۱۹) پرهیز از حشو: سوابق گذشته، فینال آخر، حُسن خوبی و ...، گذشته، آخر، خوبی.

۲۰) جمع بستن کلمات فارسی با نشانه‌های جمع عربی جایز نیست: بازرسین ← بازرسان،

گزارشات ← گزارش‌ها، آزمایشات ← آزمایش‌ها.

۲۱) حذف درست فعل به قرینه: سارق را دستگیر و به زندان بردند ← سارق را

دستگیر کردند و به زندان بردند.

۲۲) کاربرد «با» و «برای» به جای «به وسیله‌ی» و «به منظور»: به وسیله‌ی پست ←

با پست

۲۳) به کار بردن فعل با حرف اضافه‌ی خاصّ آن: بردن از، باختن به، ترسیدن از

۲۴) پرهیز از کاربرد فعل مجهول با نهاد: گلستان توسط سعدی نوشته شد ←

سعدی گلستان را نوشت.

۲۵) پرهیز از کاربرد «یت» با کلمات فارسی : دوئیت ← دوگانگی

۲۶) کلمه‌ی «برخوردار» در جایی به کار می‌رود که نتیجه‌ی مثبت و مفید داشته باشد.

این بیمار از ضعف برخوردار است ← این بیمار ضعیف است.

۲۷) برجسته کردن تضاد بین اجزای جمله به کمک «و» مباینت یا استبعاد : مسلمان

و دروغ!

۲۸) پرهیز از کاربرد عباراتی که ابهام و کژتابی دارند : دو خواهر و برادر حافظ کلّ

قرآن شدند.

اکنون می‌کوشیم شما را با شیوه‌های درست نویسی بیشتر آشنا کنیم. از این رو تعدادی از جملاتی را که در آن‌ها تکلف و پیچیده‌نویسی، حشو، تبعیّت از الگوهای بیگانه، عامیانه‌نویسی، کهنه‌گرایی، سره‌نویسی، عربی‌مآبی، کاربردها و خطاهای رایج زبانی، نوآوری‌های کاذب، تأثیر ترجمه، شکسته‌نویسی، ایجازهای مخل، تکیه کلام‌های زاید، درازنویسی، تعابیر نامناسب، ابهام و کژتابی، غلط‌های املائی و رسم‌الخطی و ... وجود دارد، با هم اصلاح می‌کنیم و از این پس، می‌کوشیم هنگام نگارش، به این نوع خطاها و لغزش‌ها دچار نشویم.

۱) مسئله‌ی کوشش برای آزادی تاریخچه‌ای دراز در طول تاریخ دارد.

۲) مبارزه برای آزادی پیشینه‌ی تاریخی دور و درازی دارد.\*

«مسئله» را می‌توان حذف کرد؛ زیرا زاید است. به جای واژه‌ی کوشش، «مبارزه» را

آورده‌ایم که می‌تواند اشکال مختلف کوشش برای آزادی را در خود جای دهد. مقصود از تاریخچه در این عبارت «پیشینه» است. تاریخچه زمانی به کار می‌رود که واقعاً تاریخچه‌ای در کار باشد.

۱) یک افسر حفاظت دشمن یک گلوله در کرد و کله‌ی یکی از مخالفان را زد.

۲) یکی از افسران حفاظت دشمن، گلوله‌ای شلیک کرد که به سر یکی از مخالفان

اصابت نمود.

«در کرد، کله و زد» واژه‌هایی عامیانه و گفتاری هستند. بهتر است از کاربرد این گونه

---

\* جمله‌ی ۱ نادرست و جمله‌ی ۲ شکل ویرایش شده است.

واژه‌ها در نوشته‌های جدی پرهیزیم. ما به جای این کلمات، از واژگان «شلیک کرد، سر و اصابت نمود» استفاده کرده‌ایم.

۱) مسکو مایل به انجام طرح خلع سلاح هسته‌ای اوکراین است.

۲) مسکو مایل به اجرای طرح خلع سلاح هسته‌ای در اوکراین است.

بہتر است به جای «انجام» در این گونه جمله‌ها از «اجرا» استفاده کنیم؛ زیرا واژه‌ی «انجام» به تنهایی «پایان، سرانجام و عاقبت» معنی می‌دهد. در عین حال، چون در این جمله از طرح سخن رفته است، اجرا کلمه‌ی مناسب‌تری است.

۱) فرزندان، قبل از این که به عنوان «یک‌بار» برای خانواده تلقی شود، به عنوان یک منبع منفعت و ثروت به حساب می‌آیند.

۲) خانواده‌ها فرزندان خود را منبع درآمد، تلقی می‌کردند نه سربار خانواده.

بسیاری از واژگان این جمله‌ی بلند را حذف کردیم؛ بی آن که معنی جمله دستخوش تغییر شود. نهاد جمله با فعل آن مطابقت نداشت: (فرزندان ... شود) بدون آن که نیازی باشد، دو بار از ترکیب «به عنوان» استفاده شده بود.

۱) جمعیتی بسیار زیاد و بی‌شمار که به گونه‌ای نامتوازن پراکنده شده‌اند نه تنها منبع و منشأ گرسنه‌گی است بلکه این جمعیت انبوه هم چنین مخرب محیط‌زیست نیز می‌باشد.

۲) جمعیت زیاد، پراکنده و نامتوازن نه تنها باعث قحطی می‌شود بلکه محیط‌زیست را نیز ویران می‌کند.

جمله‌ی دوم، با حذف کلمات مترادف از جمله‌ی اول به نصف کاهش یافته است. آوردن قیدهایی چون نه تنها، بلکه، هم چنین و نیز به طور هم‌زمان در یک جمله درست نیست. شکل کاربرد این قیود معمولاً چنین است: نه تنها ... بلکه. املا‌ی کلمه‌ی گرسنه‌گی نادرست است؛ هم چنین‌اند کلمه‌هایی چون خواننده‌گان، شرکت‌کننده‌گان و ...

از کاربرد «می‌باشد» تا حد امکان پرهیز می‌کنیم و واژه‌ی معادل آن «است» را به کار

می‌بریم.

۱) نتایجی که امروز به دست آمد را گزارش می‌کنم.

۲) نتایجی را که امروز به دست آمد، گزارش می‌کنم.

حرف نشانه‌ی «را» پس از مفعول قرار می‌گیرد. حذف «را» و نیز استفاده‌ی بیهوده از آن نادرست است.

(۱) هنوز معلوم نشده است چه تعداد از قبول‌شدگان شامل این قانون شده‌اند.  
(۲) هنوز معلوم نشده است چه تعداد از قبول‌شدگان مشمول این قانون شده‌اند.  
کلمه‌های شامل و مشمول را هیچ‌گاه نباید به جای هم به کار برد.  
(۱) در سال ۳۳۴، آل‌بویه بغداد را فتح و خلیفه را برکنار و پسرش را به جای او برگماردند.

(۲) در سال ۳۳۴، آل‌بویه بغداد را فتح کردند و پس از برکنار کردن خلیفه، پسرش را به جای او برگماردند.

فعل هیچ‌گاه نباید بی‌قرینه حذف شود. برکنار ← برکنار کردند. فتح ← فتح کردند.  
حذف فعل زمانی جایز است که فعل محذوف با فعل جمله‌ی پس از آن یکی باشد: این مسئله بررسی و حل شد.

(۱) یکی از دلایل علاقه‌ی من به موسیقی کلاسیک این است که شما با شنیدن آن، احساس آرامش می‌کنید.

(۲) یکی از دلایل علاقه‌ی من به موسیقی کلاسیک این است که، با شنیدن آن، احساس آرامش می‌کنم.

در بخش دوم جمله‌ی نخست، مقصود از «شما» نوع آدمی است اما شیوه‌ی طرح جمله به گونه‌ای است که به نظر می‌رسد نهاد به شکلی نابه‌جا تغییر داده شده است.

(۱) دیدگاه او از دیدگاه روان‌شناسان متفاوت است.

(۲) دیدگاه او با دیدگاه روان‌شناسان متفاوت است.

حرف اضافه‌ی «متفاوت» «با» است نه «از» چنان که می‌دانید، برخی فعل‌ها یا گروه‌های اسمی حرف اضافه‌ی معینی را می‌پذیرد؛ مثلاً «آموختن به ...» به معنای یاد دادن و «آموختن از» به مفهوم «یاد گرفتن» است.

(۱) انیشتن، پس از بیست و دو سال زندگی در شهر پرینستون امریکا درگذشت.

(۲) انیشتن، بیست و دو سال از عمرش را در پرینستون گذراند و در همان‌جا درگذشت.

جمله‌ی اوّل ابهام دارد و از آن چنین برمی‌آید که انیشتن تنها بیست و دو سال عمر کرده است.

این گونه جملات که دو یا چند معنی دارند، در نتیجه‌ی نشستن واژگان در جای نامناسب، تتابع اضافات، مشخص نبودن مرجع ضمیر، وجود جملات معترضه، طولانی شدن جمله‌ها، ضعف و سستی پیوند اجزای جمله‌ها و حذف‌های نابه‌جا به وجود می‌آیند. (۱) پلیس آن کشور بار دیگر، در یک یورش وسیع و گسترده‌ای، ده‌ها تن مسلمان را در این کشور، بازداشت کرد.

(۲) پلیس آن کشور، بار دیگر، در یورشی گسترده ده‌ها مسلمان را بازداشت کرد. در این عبارت، واژه‌های «یک، وسیع، ای، تن، در این کشور» زاید یا تکراری هستند و می‌توانیم بدون آن که به ساختمان جمله و معنای آن لطمه بزنیم، آن‌ها را حذف کنیم.

(۱) آگاهی و بیداری، مسلمانان را فراگرفته است.

(۲) مسلمانان در همه‌ی کشورها آگاه و بیدار شده‌اند.

گاه برخی از تعبیرهای نامناسب (تعبیر قیدی، وصفی، فعلی، اسمی و ...) که از راه ترجمه یا بر اثر بی‌مبالاتی اهل زبان به زبان راه یافته‌اند، فهم جمله را دشوار می‌سازند.





## واژه های بهم آوا (۲)

انواع بهم آوایی در زبان فارسی:

۱) واژه هایی که از نظر شکل نوشتار و گفتار یکسان هستند.

مانند: روان (= روح)      روان (= جاری)

کور (کورخر)      کور (قبر)

۲) واژه هایی که از نظر نوشتاری متفاوت ولی از نظر گفتاری دارای تلفظ

یکسان هستند.

مانند: خوار      خار

خویش      خویش (= کا و آهن)

قَدْر      غَدْر

## خودآزمایی

۱) جمله‌های زیر را ویرایش کنید.

- موضوع ساده‌ای که ممکن است در هر عصر و زمانی نگران‌کننده باشد، این است که وقتی سطح انرژی بدن کاهش یافته، می‌تواند به راحتی شما را عصبی و از کوره به در ببرد.
- اکنون شرکت‌های تعاونی از موقعیت خوبی دارا هستند.
- انجام‌دهنده‌گان این پروژه باید جرئت ریسک کردن را داشته باشند.
- عدم وجود برنامه‌ی مناسب باعث انجام به موقع فعالیت‌های ورزشی نشده است.
- کاهش بارنده‌گی در پارسال گذشته، در کمبود منابع آب‌های تحت‌الارضی بی‌تأثیر نیست.
- به بخش بعدی برنامه ملاحظه بفرمایید.
- مورخان جرئت به افشای کشف خود کردند.
- ادامه و تأکید بر انجام چنین تمرین‌هایی باعث تقویت مهارت‌های نگارشی می‌گردد.
- در واقع این جور وقت‌ها آدم دچار خودپرستی می‌شود که به درد نمی‌خورد.
- حسن به برادرش گفت که مقاله‌اش منتشر شده.
- ۲) نمونه‌های دیگری از کلماتی را که در «بیاموزیم» خواندید بنویسید.
- ۳) بخشی از یک نشریه یا روزنامه را انتخاب کرده، با توجه به نکاتی که در این درس خوانده‌اید، آن را ویرایش کنید.